



تهدیدنامه!

خوشبختانه با کمک بی‌بی‌سی و «آبزرور» و شرکاء، «دوستان» برای مان یک رهبر نوین انقلاب پیدا کردند! رهبر نوین «ندا آقاسلطان» نام دارد. چهره خوش‌آیند «ندا» را همه به یاد داریم. ندا همان کسی است که در برابر دوربین توسط فرد یا افرادی ناشناس به قتل رسید، و فیلم آخرین لحظات زندگی‌اش در سراسر جهان پخش شد. بلافاصله «بی‌بی‌سی» یک نامزد برای او دست و پا کرد به نام «کاسپین ماکان» که به ما بگوید «ندا» طرفدار هیچیک از نامزدهای «بیعت» ۲۲ خردادماه نبوده و ... و بعد گفته شد نامزد ندا دستگیر و زندانی است و سرانجام ایشان



هم سر از لندن در آوردند و ضمن مصاحبه با «آبزور» ادعا کردند، ندا رهبر یک گروه مخالفان بوده و اکنون مزارش به «امامزاده» تبدیل شده. همین کفایت می‌کند که متوجه شویم حضرات جهت «رهبرسازی» دست اندرکار افتتاح یک «دکان» جدید مقدسات شده‌اند که در آن نامزد «رهبر نوین» نقش «امام غایب» را ایفا می‌کند تا تقدس بیشتری داشته باشد. باری رسانه‌ها از انتشار تصویر نامزد ندا خودداری می‌کنند ظاهراً به دلایل امنیتی! حال آنکه اگر طبق شایعات رسانه‌ای «کاسپین ماکان» توسط نیروهای انتظامی جمکران دستگیر و زندانی شده حداقل جمکرانی‌ها «تصویر مقدس» ایشان را در دست دارند، و هیچ دلیلی برای پنهان نگاه داشتن «شمایل» کاسپین ماکان برای «طرفداران‌شان» وجود ندارد.

اما با این پنهانکاری‌ها رسانه‌های غرب می‌توانند هر چه دل تنگ‌شان می‌خواهد از قول «ندا» و از زبان نامزد فرضی‌اش، یعنی همان امام غایب ساکن لندن، روایت و قصص تحویل ما ملت بدهند. اینان به صورت «قطره‌ای» به ما خواهند گفت، «ندا» چه اهدافی را دنبال می‌کرد، در مورد آزادی بیان، حقوق بشر، و ... نظرش چه بود و خلاصه به این ترتیب دستورالعمل‌های لازم جهت در آمدن از چاله و افتادن به قعر چاه در اختیار ملت قرار خواهد گرفت. خارج از جبهه ندا که به احتمال زیاد به «ایران پرستی» و شعار «جمهوری ایرانی» یعنی فاشیسم «بومی» نزدیک خواهد بود، یک جبهه کاذب دیگر هم داریم که اخیراً بازارش سخت کساد شده و آن جبهه فعله فاشیسم «دینی» است که زعامت آن را آخوند منتظری بر عهده دارند. شیپورهای جبهه کذا علاوه بر «بی‌بی‌سی»، در سایت‌های رادیوفردا و «زمانه» به صدا در آمده.

شرایط فعلی چیست؟ جنگ زرگری بین سه جبهه کاذب که عبارت‌اند از، گروه خامنه‌ای شامل موسوی، کروبی، رفسنجانی و خاتمی، جبهه ولایت فقیه «مترقی» شامل فعله فاشیسم و آخوند منتظری و دیگر آیات عظام «مترقی»، و بالاخره جبهه «جانم فدای ایران!» اگر داس‌الله را در این مجموعه مهوع منظور نکردیم به این دلیل است که داسیون، همچون مخالف‌نمایان جمکران جبهه مشخصی ندارند، منتظر می‌مانند تا ببینند تعداد گوسفندان کدام «گله» بیشتر است، آن‌ا در کنار «مردم» قرار می‌گیرند و پس از «بیعت» با رهبر جدید همه را شادان و خندان به مسلخ روانه می‌فرمایند. به عبارت دیگر اینان همان بیراهه حزب توده را بر می‌گزینند، که همواره به بن‌بست کودتا ختم خواهد شد. همان بیراهه مقدسی که تاکنون چندین بار از این امتحان الهی سرافراز بیرون آمده!

دعای امروز حضرات پس از گذشت سه دهه چیست؟ «شاه» بد بود، همه کمبودهای امروز تقصیر «شاه» است. در این میانه یک گروه می‌گوید، این دوره از دوره شاه هم بدتر است! گروه دیگر می‌گوید، شاه خیلی هم خوب بود، همه کمبودها تقصیر آخوندهاست، ولی از همه مهم‌تر گروهی پای پیش گذاشته که کمبودهای امروز را به هخامنشیان نسبت می‌دهند! این گروه



«مترقی» از همراهی و همدلی متفکران بزرگی همچون حدادعادل و علی اکبر ولایتی در دارودستهٔ خامنه‌ای برخوردار می‌شود. ولایتی همچنانکه در وبلاگ «منقل و گلستان» اشاره کردیم، جدیداً جهت تقویت زبان فارسی به مکتب‌خانه و نثر گلستان ابراز علاقه کرده بود، حداد عادل هم که نیازی به معرفی ندارد، دخترش عروس خامنه‌ای است، و بنابراین جهت «تحریف قرآن» از طریق «تزریق مفاهیم مدرن» در این کتاب مقدس جایگاه‌اش در «فرهنگستان» چاه جمکران محفوظ خواهد بود.

بله اخیراً «تقسیم کار»، یکی از مفاهیم مدرن جامعه‌شناسی به قرآن نیز «تزریق» شده. فقط در قرآن تقسیم‌کار بر عهدهٔ «فرشتگان» است. باید از آقای مجتبی مقدم سپاسگزار باشیم که بجای سروده‌های «سهراب سپهری» اینبار آیاتی چند از سورهٔ «الذاریات» را در پاسخ «منطقی‌شان» گنجانند تا ما هم سری به سورهٔ کذا بزنیم و تحریف آنرا مشاهده کنیم. پس بهتر است این بخش را به بررسی «پاسخ» آقای مقدم اختصاص دهیم. نیازی به توضیح نیست که مفاد و معانی آیات الهی به دلیل نادیده گرفتن زمان و مکان در هاله‌ای از ابهام قرار دارند. تفاوت آیات کذا با سروده‌های یک شاعر این است که شاعر هرگز ادعا نمی‌کند اشعارش «کلام الهی» است و جماعت باید همه در هر زمان و مکان از آن اطاعت کنند، چرا که «مقدس» و «برتر» شمرده می‌شود. حال آنکه خداوند ابراهیم قصص و فرامین مبهم خود را به عنوان «حق» لازم الاجراء می‌داند و مسلم است که بندگان خوب خدا همچون آقای مقدم، همزمان با «توجیه» مبهمات خداوندشان، تلاش کنند با توسل

به زبان تهدید و ارباب مبهمات کذا را به دیگران تحمیل فرمایند.

پیشتر هم گفتیم جناب مقدم! شما نمی‌توانید در چارچوب منطق و با تکیه بر استدلال منطقی بحث کنید، چرا که سرکار به «زبان مردگان» یا به بهتر بگوئیم به «زبان پدر» و «زبان قدرت» و زبان «تقدس الهی» سخن می‌گوئید. زبان کتب مقدس، زبان مردگان بی‌نشان است. این زبان با نادیده گرفتن «شرایط واقعی» برای مسائل و مشکلات «بشریت» در همهٔ زمان‌ها «فرمان» صادر می‌کند. زبان مذکور با نادیده گرفتن انسان، مرزهای زمان و مکان را در می‌نوردد، بدون اینکه خود را نیازمند استدلال ببیند، چرا که خود را «برتر» از «زبان انسان» به شمار می‌آورد. دلیل هم روشن است. طبق پیش‌فرض‌هایی که هنوز به اثبات نرسیده، خداوند نه تنها وجود دارد که برتر از انسان نیز هست! در نتیجه، هر چه بگوئید، انسان «موظف» است بپذیرد. در غیراینصورت در دو جهان مجازات خواهد شد، همچنانکه بر اساس همین اعتقادات «دیگران» در یک گذشتهٔ بی‌نشان به دلیل عدم اطاعت از فرمان خداوند مجازات شده‌اند.

این زبان شباهت عجیبی به «زبان» حاکمیت آمریکا و انگلستان و به طور کلی «زبان برتری‌طلبان» دارد،



می‌فرمایند، اگر تعالیم زرتشت نبود، کوروش آن منشور کذا را صادر نمی‌کرد؟

«چه چیزی باعث شد منشور کوروش نوشته شود؟ آیا آن چیزی به غیر از وجود تعالیم زرتشت و یکتاپرستی بود که باعث شد ایرانیان چنین مردمانی باشند و چنین منشوری نوشته شود.»

اولاً حضور ایشان باید عرض کنیم که در کتیبه‌های بازمانده از پادشاهان هخامنشی، هیچ اشاره‌ای به نام زرتشت نشده! بهتر است بجای لاف و گزاف در مورد کوروش کبیر و آن منشور کمی در مورد هخامنشیان مطالعه بفرمائید تا به قول خودتان مرتکب «باهی‌گری»، آنهم در «تاریخ» ایران نشوید! ثانیاً آموزه‌های زرتشت پس از هخامنشیان هم وجود داشت و همین تعلیمات در دوران ساسانی به فاجعه منجر شد! دلیل هم اینکه آموزه‌های زرتشت را به «دین حکومتی» تبدیل کردند و جامعه ایران در بن‌بست «دین رسمی» قرار گرفت. کشتار مزدکیان و مانویان پیامد حکومت دینی بود. حال سرکار ادعا می‌کنید هر چه در آسمان و زمین «اتفاق» می‌افتد از ذات الهی سرچشمه می‌گیرد؟ مگر خداوند شما موجودیت مادی هم دارد؟ «ذات» الهی دیگر چه

بخصوص زمانیکه اینان جهت «توجیه» تهاجم وحشیانه خود به خاک عراق، دولت این کشور را به دروغ به داشتن سلاح‌های کشتار جمعی متهم می‌کردند. با این تفاوت که در قاموس خداوند ابراهیم هر که به هر ترتیبی «مجازات» شده، می‌شود و خواهد شد، فقط به دلیل «عدم اطاعت» از فرامین ایشان بوده، هست و خواهد بود! به عبارت دیگر اگر خود را در چارچوب منطق انسان‌ستیز آیات الهی قرار دهیم تمام جنایات علیه بشریت طی تاریخ «توجیه» خواهد شد، و تمام خوبی‌های تاریخ نیز به حساب پروردگار توانا نوشته خواهد شد. در نتیجه آن‌ها که از جنایات مذکور منتفع شده‌اند شکر ایزد به جای می‌آورند و آن‌ها که بمب‌های مقدس هست و نیست‌شان را برباد داده، باید بدانند «اراده الهی» چنین ایجاب کرده. به عنوان نمونه، یهودیان هر «مجازات»ی متحمل شدند از اسارت در «بابلون» تا اسارت در اردوگاه‌های هیتلر به دلیل «کفرشان» بوده. اما خداوند از آنان غافل نشد! همین خداوند به ادعای اسطوره‌های یهودیان، به کوروش هخامنشی مأموریت داد تا بر اسارت‌بندان‌اش در بابل پایان دهد. حال آنکه کوروش هخامنشی اصولاً خداوند ابراهیم را به رسمیت نمی‌شناخت!

به همین دلیل بنیان‌گزار امپراطوری هخامنشی، خود را نه بعنوان «برگزیده»، و نه بعنوان «بنده خدا»، که به عنوان انسانی دارای جایگاه مشخص اجتماعی، «شاه‌شاهان» و فرزند یک انسان، کمبوجیا معرفی می‌کند: منم کوروش، شاه شاهان ... حال باید ببینیم آقای مقدم با تکیه بر چه مستندات



صیغه‌ای است؟ اگر خداوند شما مادیات داشته باشد، مانند همه موجودات مادی فرسایش را متحمل شده تغییر خواهد یافت، ولی بحث ما بر سر «خداوند شما» نیست، چرا که این مسئله را ما «حریم خصوصی» افراد می‌دانیم. بحث ما تحمیل «باورهای مقدس» به دیگران و برجسب زدن به آنان است. شما می‌پرسید، اگر فرمایش‌تان صحت داشته باشد، چه پاسخی برای خدا و پیامبر و آن‌هایی در وبلاگام به سخره می‌گیرم خواهم داشت؟ اولاً از نظر ما «طنز» به عنوان یک «شیوه بیان» با مسخرگی تفاوت بسیار دارد، و ما به آزادی بیان معتقدیم، در نتیجه کاریکاتور خدا و پیغمبر و مطالب طنزآمیز را به هیچ عنوان «توهین» به اسلام و مسلمین و اقوام و ملت‌ها و اعتقاداتشان نمی‌دانیم.

ثانیاً خدا و پیامبران شما هنوز پریشی مطرح نکرده‌اند! اگر چنین افتخاری به ما بدهند، همانگونه که به سرکار پاسخ دادیم به آن‌ها نیز پاسخ خواهیم داد. برای اینکه مطلب روشن شود حضور محترم‌تان توضیح دهیم، اگر خداوند پریشی مطرح کند از جایگاه خداوندی‌اش به زمین سقوط می‌کند و همچون نویسنده این وبلاگ به انسانی تبدیل می‌شود که در زمان و مکان مشخص سخن می‌گوید، و به دلیل عدم آگاهی از بسیاری مسائل خود را ناچار به پرسش می‌بیند. ساده‌تر بگوئیم اگر خداوند بخشنده و مهربان‌تان از ما سؤال کنند، که به چه دلیل مقدسات را به قول شما به سخره می‌گیریم، خارج از اینکه جهان‌شمولی و زمان‌شمولی‌شان برباد می‌رود، دست مقدس‌شان رو شده و همه متوجه خواهند شد که ایشان علی‌رغم ادعای بندگان و پیامبران و امامان و فقها

و دیگر خادمان بارگاه مقدس‌شان دلیل این عمل نکوهیده ما را نمی‌دانند! روشن‌تر بگوئیم اگر ایشان سوال کنند، مشخص می‌شود بعضی مسائل را نمی‌دانند یعنی، برخلاف قصص و روایات از همه چیز آگاه نیستند، و در ثانی ذهن و ضمیر ما را همچون کف دست‌شان نمی‌شناسند!

حال متوجه می‌شوید که خداوندتان چرا سکوت کرده و از ما بازخواست نمی‌کند. ایشان به دلیل علم و دانش بیکران و احیاناً ذکاوت‌شان نیک می‌دانند که اگر پریشی مطرح کنند، نه تنها پرستی‌شان را به عنوان آگاه بر همه چیز از دست می‌دهند که در برابر پاسخ ما - پاسخی که مسلماً در چارچوبی انسانی منطقی خواهد بود - آیات الهی‌شان لنگ می‌زند. به عبارت دیگر کافی است خداوند زبان به سخن بگشایند تا از الهیت ساقط شوند! آنکه قادر به گفتگوی صریح و استدلال منطقی است، فقط «انسان» است! خداوند شما تنها به زبان مبهم مردگان می‌تواند «بندگان» را بترساند، و به آن‌ها «فرمان» دهد یا از گذشته‌های بی‌نشان برای‌شان قصه بگوید! خداوند قادر به گفتگوی منطقی نیست، نمی‌تواند بپرسد، و نمی‌تواند به پرسش منطقی پاسخ منطقی ارائه کند. حال بندگان همین خداوندی که نمی‌تواند زبان به سخن بگشاید، ادعا می‌کنند اراده او بر جهان حاکم است:



«آنچه در آسمان‌ها و زمین اتفاق می‌افتد فقط و فقط از ذات حق تعالی سرچشمه می‌گیرد [...] در این عالم برگی از درختی نمی‌افتد مگر به اراده‌ی حق تعالی [...] ولایت و حکومت در داستان خالق متعال است در این شک نداشته باشید [...] اگر به احتمال یک درصد عرایض بنده صحیح باشد چه جوابی برای خدا و پیامبران الهی و کلاً آنهایی که در وبلاگ‌تان به مسخره می‌گیرید دارید؟»

پاسخ ما به خداوند شما همین پاسخی است که به شما می‌دهیم. اگر کسی خود را برتر از انسان می‌داند، و ادعا می‌کند همه چیز در دو جهان به اراده‌ی اوست پس باید بداند که مطالب و بلاگ ناهید رکسان نیز به اراده‌ی ایشان نوشته می‌شود، و خود کرده را تدبیر نیست! خداوند شما مطالب و بلاگ ما را نمی‌پسندند، اراده‌شان را تغییر دهند تا ما هم تبدیل شویم به «مداح قدرت» و پامنبری خداوند! اگر چنین کاری نمی‌کنند از دو حال خارج نیست، یا برخلاف ادعای شما مطالب و بلاگ‌های ما را می‌پسندند و از خوانندگان ما هستند، چرا که این وبلاگ هم از «اراده‌ی ایشان» سرچشمه می‌گیرد، یا اینکه می‌باید بپذیرند و بپذیرید که همه در این جهان بنده‌ی خداوند نیستند و خارج از اراده‌ی مقدس‌شان مطالبی را بدون ابهام مطرح می‌کنند. در اینصورت باید این واقعیت تلخ را قبول کنند، و قبول کنید که اراده‌ی خداوند بر «همه چیز» حاکم نیست. بلکه اراده‌ی انسان در تضاد با اراده‌ی الهی قادر است به صورت ملموس در قالب وبلاگ ناهید رکسان متجلی شود! شق سوم می‌تواند وجود داشته باشد و آن اینک خداوند از آنجا که بخشنده و مهربان است منطقی از خطای انسان‌ها می‌گذرد، چرا

که آن‌ها را اسیر دست خود می‌داند و اطمینان دارد که هر بلائی که بخواهد بر آن‌ها نازل می‌کند، پس هیچ دلیلی ندارد که قادر متعال از موجودات سرکش و نافرمان دلگیر شوند.

ولی با توجه به آیاتی که شما ارائه کرده‌اید، خداوندتان همچون فاشیست‌ها شعار «مرگ» و «ابهام» سر می‌دهد و شما هم از زبان ایشان ما را تهدید می‌کنید! شما می‌گوئید ما در جهل و غفلت فرو رفته و از «حق» فاصله گرفته‌ایم و خود را بالاتر از همه می‌بینیم، و خود را حق و دیگران را باطل می‌شماریم. اشکال شما این است که به دو قطب مبهم «حق» و «باطل» اعتقاد دارید، حال آنکه این حق و آن باطل در قرآن چارچوب مشخصی ندارد، و از منظر حقوقی اصولاً «تعریف» نشده:

«قبلاً [...] گفته بودم و باز هم می‌گویم بنا به فرمایش حق تعالی [...] آیات ۹ الی ۱۱ سوره الذاریات [...] تنها کسی از ایمان به آن منحرف می‌شود که از قبول حق سر باز می‌زند [...] کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها)! همان‌ها که در جهل و غفلت فرو رفته‌اند [...] بله خانم رکسان وای به روزی که انسان از حق فاصله بگیرد و خود را از همه چیز بالاتر ببیند [...]»



بله جناب مقدم! می‌بینیم که سرکار در سنگر «حق» نشسته و فتوی مرگ برای «باطل» صادر می‌کنید، تفاوت شما با کشیش‌های دادگاه‌های «تفتیش عقاید» چیست که «معتقد» بودند زمین «ثابت» است و گالیله را مجبور کردند ادعای کفرآمیز خود را پس بگیرد؟ چه کسی در «جهل» دست‌وپا می‌زد، ارباب کلیسا یا گالیله؟ حداقل امروز می‌دانیم کلیسا در جهل دست پا می‌زد و خواهد زد، چرا که خواهان تحمیل «مقدسات» بر جامعه است. ما هم با شما هم عقیده‌ایم آقای مقدم! وای به روزی که انسان خود را از همه چیز و به ویژه از انسان‌ها بالاتر ببیند، برای‌شان حکم مرگ صادر کند، آنهم با تکیه بر «مبهمات» آسمانی. کسی که خود را در جایگاه «قدرت الهی» می‌بیند با تکیه بر کلام الهی خواهان حذف دیگران می‌شود.

آقای مقدم! برخلاف توهمات شما، نویسنده این وبلاگ خود را «برتر» از دیگران نمی‌داند، اگر شما چنین برداشتی کرده‌اید به دلیل احساس عجز و حقارت در برابر «استدلال منطقی» است! به همین دلیل است که به صورت یک جانبه «پایان گفتگو» را اعلام می‌کنید، به بهانه اینکه نمی‌خواهید به حریم خصوصی دیگران، سایت نووستی، وارد شوید! اولاً سایت نووستی «حریم خصوصی» کسی نیست، رسانه‌ای است جمعی! ثانیاً مشکل شما این است که نمی‌توانید این «بحث» را ادامه دهید - همچنانکه گفتیم کلام الهی نمی‌تواند در برابر استدلال انسانی قد برافرازد. ولی شما فاقد شهادت و صداقت انسانی برای پذیرش نقاط ضعف خود هستید، چرا که خود را برتر از انسان می‌دانید! اگر شما با خود برخوردی صادقانه و انسانی داشتید پذیرش این مطلب ایجاد اشکال نمی‌کرد. در یک جمله کوتاه می‌گفتید، یک مبلغ اسلام ایدئولوژیک با یک «اومانیست» نمی‌تواند بحث «منطقی» داشته باشد. ولی شما حاضر به پذیرش این اصل مسلم نیستید که انسان نمی‌تواند با تکرار «آیات الهی» خود را در جایگاه «برتر» و «حق» قرار

دهد، و دیگران را «باطل» بداند. اولاً آیات کذا سخنان شما نیست، ثانیاً به دلیل ابهام‌شان گفتگوی منطقی را بر نمی‌تابند. در نتیجه، سرکار نمی‌توانید این بحث را روی وبلاگ ناهید رکسان هم ادامه دهید. به چند دلیل. نخست اینکه در این مورد «تصمیم» با من است نه با شما، و نه با خداوند شما. دیگر اینکه به شما اجازه نمی‌دهیم با انتشار «مقدسات» و مبهمات، وبلاگ ما را به تربیون تبلیغات حکومت اسلامی تبدیل کنید. ولی گذشته از این مسائل، تأکید شما بر «عدم پاسخگویی» نشان ترس شماست! شما به دلیل عجز از پاسخگویی می‌گریزید، و برای پنهان داشتن عجز مقدس‌تان در واقع پا به فرار گذاشته‌اید:

«ترجیح می‌دهم من بعد در وبلاگ شما به این بحث ادامه دهیم و به حریم خصوصی دیگران وارد نشویم چون من به غیر از وبلاگ شما در جای دیگری جوابگوی شما نخواهم بود.»

ما هم از شما دعوت می‌کنیم اگر حرفی برای گفتن دارید، البته خارج از صدور «فتوی مرگ» و تکرار حق و باطل و غیره، پاسخ‌تان را برای سایت نووستی ارسال کنید، ما هم بزودی جواب شما را برای این سایت ارسال خواهیم کرد.

